

نقدی بر کتاب «جامعه‌شناسی هنر»

احمد جولائی*

ابوالفضل حداد**

چکیده

هدف این مقاله آن است با معرفی کوتاه شکل (فرم) کتاب، به محتوا و درون مایه های موجود در اثر پرداخته، و به دور از هرگونه عیب جویی، به صورتی هرچند کوتاه، نکات علمی و پژوهشی که در اثر رعایت نشده است را معرفی کند. در ابتدای این تحقیق با تاکید بر تز مولف مرده است رولان بارت، سعی شده که با نهایت احترام به مولف اثر، ملاحظات و تعریف های بیهوده را کنار گذاشته، و با واکاوی های لازم به گونه ای شفاف و صریح، نقدی درون ماندگار ارائه شود. اما قبل از آن نگاهی اجمالی به انواع هنرها مانند هنر برای هنر، هنر پیرو و هنر پیش رو داشته، و با ذکر تعریف هایی از آنها، در ادامه تحقیق، به هنرهای جدید نیز اشاره می‌کنیم. تا در نهایت دلایلی را مبنی بر به روز نبودن این کتاب متذکر شویم. در ضمن قبل از نتیجه گیری پیشنهاداتی در زمینه ی این کتاب مطرح شده است، که می تواند خواننده را بیش از پیش با رویکرد جامعه شناسی در هنر آشنا کند. در مرحله ی آخر یعنی نتیجه گیری، کلیه مواردی که می بایست در زمینه ی نقد این کتاب رعایت شود، به ترتیب اعلام شده است.

کلیدواژه‌ها: کتاب جامعه شناسی هنر، امیرحسین آریان پور، هنر برای هنر، هنر برای انسان، هنر پیرو، هنر پیش رو

۱. مقدمه

از هنر تعریف های مختلفی شده است. افلاطون و شاگردش ارسطو، هنر را به توانایی آفرینش، با ایجاد زمینه تحقیق هایی که خود ترسیم نموده است تعریف کرده اند. برخی

*عضو هیئت علمی سابق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر (نویسنده مسئول) joulah. ahmad@yahoo.com

**کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، پژوهشگر و مدرس هنر haddad.eprg@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۱۴، تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۳

هنر را تقلیدی از طبیعت ذکر کرده و گفته اند هنرمند کسی است که بتواند آنچه در طبیعت و عالم محسوس است به بهترین نحو منعکس کند. یکی از تعریف های هنر ابداع و خلاقیت است و در تعریفی دیگر هنر را فرافکنی بیان احساس دانسته اند، یعنی هنرمند احساساتش را در اثر هنری خود بیان و منعکس می کند. حقیقت هنر، یک عطیه الهی و یک حقیقت فاخر است. هنر در رابطه با هنرمند و جامعه دو قسم دارد و هرکدام طرفدارانی: ۱- هنر برای هنر: یعنی هنر بدان جهت که هنر است مطلوب است، زیرا هنر کاشف نبوغ و روشن کننده عشق آدمی است بر شهود واقعیات، آن چنان که باید باشند و هیچ قانونی و الگویی نباید برای هنر که ابراز کننده شخصیت هنرمند و نبوغ اوست وجود داشته باشد. ۲- هنر، برای انسان: یعنی از آن جهت که هنر نیز مانند دیگر محصولات فکری بشری برای تنظیم و بهره برداری در حیات جامعه است، لذا ضرورت دارد ما هر هنری را نپذیریم و نگذاریم هنرهایی که به ضرر جامعه تمام می شوند، در معرض و دیدگاه مردم قرار بگیرند. هنر انسانی، برای انسان است که آن را هنر برای انسان در دیدگاه معقول می نامیم. این مورد می تواند در فلسفه زندگی انسان ها که به رویکرد دیدگاه اسلامی نیز نزدیک است بیان شود و آن «هنر برای انسان در حیات معقول است». حیات معقول یعنی شخصیت انسانی را در تکاپو به سوی ابدیت که به فعلیت رساننده همه ابعاد روحی در جاذبه پیشگاه الهی است، به ثمر رسانیدن. معنای هنر برای انسان در حیات معقول آن است که ما هنر را چه با نظریه نبوغ خود هنرمند و چه با نظریه جامعه ای که از اثرات هنری برخوردار می شود، یک واقعیت بسیار با ارزش تلقی کنیم که حذف آن از قاموس بشری چندان تفاوتی با حذف انسانیت ندارد ۳- هنر پیرو: پدیده پیرو آن است که از خواسته ها و تمایلات و اخلاقیات رسمی و دانسته های معمولی تبعیت می نماید. معنای هنر پیرو عبارتست از توجیه شدن نبوغ و فعالیت های عقلانی و احساساتی مردم. هنرمند پیرو دنباله رو تفکرات و آرمان های مردم جامعه است. هنر پیرو دنباله رو درک ها و خواسته های مردم متوسط در هنر می باشد. ۴- هنر پیش رو: منظور از هنر پیش رو تصفیه واقعیات جاری و استخراج حقایق ناب از میان آنها و قرار دادن آنها در مجرای حیات معقول با شکل جالب و جذاب می باشد. نبوغ سازنده در این گونه هنر آن چه هست را به طور مطلق امضا نمی کند و آن را مطلق طرح نمی نماید، بلکه آنچه هست را به سود آنچه باید بشود تعدیل می نماید. این هنر را جلوگاه تعهد و به وجد آورنده آن را هنرمند

متعهد می‌نامند. این هنرمندان متعهد می‌توانند در تصفیه اوهام و پندارهایی که در ذهن مردم به عنوان حقایق موج می‌زند و رسوب می‌نماید، رسالت بزرگی را ایفا نمایند. اینان روشنگر مغزهای افراد جامعه و سازندگان آرمان‌های حیات بخش آنان می‌باشند. پس از مطرح کردن این تعریف‌ها در باب انواع هنر، کتاب جامعه‌شناسی هنر، تالیف امیر حسین آریان پور، را که سال‌ها به عنوان منبعی علمی، در عرصه‌ی دانشگاهی و هم در دیگر پژوهش‌های مرتبط با جامعه و هنر مورد استفاده و ارجاع قرار می‌گیرد را به نقد می‌گذاریم. در این راستا در زمینه‌ی بررسی این کتاب بر آن هستیم که از طریق نقدی سازنده، به مطالب موجود در اثر پرداخته و تنها به واسطه منابع موجود، به تحلیل آنچه در اثر می‌خوانیم و تحلیل می‌کنیم بپردازیم.

آنچه در دوران معاصر در باب جامعه‌شناسی هنر روی داده است، آن قدر گسترده است که باید به گونه‌ای تخصصی‌تر و ریزبینانه‌تر با آن برخورد کرد. تا آنجا که می‌توان گفت که هر هنری جامعه‌شناسی خاص خود را می‌طلبد. از طرفی بسیاری از فیلسوفان و متفکرانی که در مقولات مختلف نظریه پردازی کرده‌اند، به نوعی جامعه‌شناس بوده‌اند و از مسایل مختلف اجتماعی و سیاسی آگاه. امروزه هم که هنر در عمق جامعه در جریان است، با سیاست و رویدادهای اجتماعی آمیخته است، پس به همان نسبت می‌بایست شناخت هنرمند از جامعه اش کامل و مفید باشد.

در این راستا برای درک هرچه بهتر هنر در جهان امروز و رابطه‌ی آن با جامعه، کتاب جامعه‌شناسی هنر می‌تواند دلیل خوبی برای رجعت به این مسئله و کم و و کاست‌های آن باشد. این کتاب می‌تواند باب یک پژوهش خوب و سازنده در زمینه‌های مختلف اجتماعی برای پژوهشگران و علاقمندان عرصه‌های مختلف فرهنگی، علمی، آموزشی، خصوصاً در طراحی و تدوین برنامه‌های دانشگاهی باشد، کتابی که تبیین‌گر، کتابی که می‌تواند و باید، دربرگیرنده‌ی شاخصه‌های علمی فرهنگی، با رعایت نیازهای قومی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی جامعه باشد. به عبارتی تبیین‌کننده خطوط اصلی در رابطه‌ی هنر و جامعه باشد.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب جامعه‌شناسی هنر به تالیف دکتر امیر حسین آریان پور در سال ۱۳۵۴ توسط انتشارات گستره منتشر شده و چندین بار تجدید چاپ شده گردیده است.

فهرست کتاب شامل نه فصل با عنوان های ۱-نگرش های گوناگون اثر ۲-تبیین هنرهای ابتدایی ۳-آغاز شعر و موسیقی ۴- سیرهنرها ۵- آفرینش هنری ۶-کوشش برای تنظیم روش های هنرشناسی ۷-سبک شناسی ایستا(سبک هنر عوام:واقع گرا،سبک هنر خواص:واقع گریزی) ۸-سبک شناسی دینامیک(پویا)(دینامیسم شئون اجتماعی،دینامیسم داخلی طبقه، دینامیسم خارج طبقات اجتماعی،دینامیسم شخصیت هنرمند ۹-زمینه اجتماعی شعر فارسی، الف تبیین سبک های شعر، اشاره ای به سبک های شعر اروپایی و تبیین آزمایشی سبک های شعر فارسی می باشد .

از مهم ترین مواردی که در زمینه ی معرفی اثر می توان گفت، این است که مولف با ارائه مقدمه ای اعلام می دارد که سال ها در پی شناخت هنر بوده است و با شمردن هنر شناسی در میان علم ها، سعی در شناخت هنر در میان طبقات مختلف جامعه و در نهایت مردم نموده است. در این راستا، او اشاره های مختلفی به هنر های سنتی و همچنین فرهنگ های مردم ایران داشته و با بررسی زمینه های اجتماعی شعر فارسی در نهایت مسیر تحقیق خود را به مرتبط دانستن موقعیت های اجتماعی و تاریخی ایران و شعرهای شاعران هر دوره ختم کرده است.

۳. تحلیل ابعاد شکلی اثر

از آنجا که در زمینه ی نقد هرچیز، می بایست تمامی کمیت و کیفیت ها مورد توجه واقع شوند ، پس در زمینه ی فرم (شکل) کتاب باید به طرح جلد آن(در چاپ جدید) اشاره کرد. آنچه مشخص است، در طرح جلد نشانه هایی از جامعه و به تعبیری اجتماع که منجر به مبحث جامعه شناسی می شود می یابیم. از طرفی طراح جلد با قرار دادن یک قاب در دور آدمک های نقش بسته بر روی جلد، سعی در نشان دادن این امر دارد که هر جامعه در یک چهارچوب و ساختاری قرار می گیرد. هنرمند با فراتر رفتن از این قاب تعریف شده، که می تواند مردم را به سوی دیگر نگرش ها و جهان بینی ها رهنمون کند. طراح جلد با قرار دادن عناصر زیبایی شناسی، که در آدمک ها و کادر(قاب) تعریف می شود، آحاد مختلف جامعه را القا می کند که با هر رنگ و شکلی، به نوعی در زیر دید و سیطره ی هنر و هنرمند قرار دارد و رها شدن از این نگاه اجتناب ناپذیر است.

پیر سوانه ، نویسنده ی کتاب مبانی زیبایی شناسی جمله ای از مبحث زیبایی شناسی کانت مطرح می کند: «زیبا چیزی است بدون (نیاز به) مفهوم، به نحو کلی خوشایند است» (سوانه، ۱۳۸۸: ۱۶۰). در این باره باید ذکر شود که هدف هنر باید چیزی غیر از تقلید صوری صرف از طبیعت باشد و طراح جلد این کتاب با پیروی از نوع رمزگانی به دور از بازنمایی، در پی پدید آوردن رابطه ی جامعه و هنر و از طرفی فراتر رفتن هنر از جامعه است. البته باید یاد آور شویم که نمایه ای که از طرح جلد ارایه شد چندان ربطی به ماهیت و محتوای درون اثر ندارد و بیش تر به عنوان آن نزدیک است. ناگفته نماند در زمینه موارد دیگر، هم چون صحافی و جوهره ی چاپ کتاب نقد خاصی را نمی توان روا داشت زیرا همه ی حداقل ها در این باره از طرف ناشر رعایت شده و کتاب مشکلی در این زمینه ندارد. اما فارغ از موارد مربوط به شکل (فرم) کتاب، بررسی ابعاد محتوایی بسیار ضروری و از ارکان اصلی نقد می باشد.

۴. تحلیل ابعاد محتوایی اثر

تجزیه و تحلیل محتوای کتاب، مهم ترین بخشی است که نقد را رهنمون به ماهیت اثر می کند. آنچه در کالبد درونی متن نهفته است، دقیقاً در این تحلیل برای مخاطب واضح می شود و خود می تواند سوال های زیادی را در زمینه ی اثر برانگیزد. به خصوص با طرح و ارائه ی نظر ساخت گرایان از جمله رولان بارت، و اهمیتی که برای ساخت اثر قائل هستند و تا مرحله مرگ مولف پیش می روند. مسئله اهمیت مخاطب (اثرهنری_جامعه) از اهمیت بیش تری برخوردار می شود. و تا حدودی در زمینه نقد، نگاه جدیدی را فراروی منتقدین می گشاید. زیرا از نگاه او مولف مفهومی ایدئولوژیک است که قصد او مشروعیت بخشیدن به کنش نوشتن و خواندن است. وی می افزاید: «متن به نحوی فروناکاستنی متکثر است، بافته ای از صداها یا رمزگان هاست که نمی توان آن را به خاستگاه بیانی واحدی در مولف گره زد.» (مکاریک ۱۳۸۵: ۳۱۴). در توضیح جمله ی بارت باید خاطر نشان کرد که او توجه بوطیقای مدرنیستی را به جانب خواننده معطوف می کند. یعنی با شکاف میان لذت متن، اشتیاق بیش تری برای خواننده جهت برقراری ارتباط با اثر فراهم و رویکرد او را امری اساسی تلقی می کرد. پس با ملاک قرار دادن این دیدگاه، بهتر می توان به نقد اثر بدون ملاحظات و تعارف

های رایج در محافل ادبی پرداخت. البته نه بی شرمانه بلکه اتفاقاً از روی کمال ادب و احترام...

اولین نکته ای که باید صریحاً به آن اشاره شود این است که گویی نگارنده، کتابی برای تمام فصول تالیف کرده زیرا متأسفانه از چاپ اول تا کنون که نزدیک به چهل سال می‌گذرد، اهتمامی بر روی این شش دوره ی چاپی صورت نگرفته و تمام مباحث کماکان بر جای خود باقی هستند و تغییری در آنها حاصل نشده است. این ضعف از آنجا بیش تر به چشم می‌آید که هم مسائل مرتبط به جامعه شناسی و هنر در طول این سال ها مشمول تحولات و اتفاقات گوناگونی شده اند که خواننده امروزی یا به طور مثال دانشجویی که در این سال ها چنین کتابی را مطالعه می‌کند، از درک تمام رویداد های معاصرش محروم می‌ماند. پس به نوعی به علت عدم پوشش زمانی و پیدایی خواسته ها جدید اثر نمی‌تواند از انسجامی کافی برای کلیه ی مخاطبان برخوردار باشد.

این رویداد ذکر شده از جایی به شدت خود نمایی می‌کند، که خواننده به هیچ وجه شاهد منابع و ماخذی در پایان کتاب نیست. وجود ارجاعات، در نوشته های علمی، اصلی انکارناپذیر و دلایل مختلفی از جمله استحکام علمی مطلب، توجه به جوانب مختلف، حفظ امانتداری و قبول مسئولیت های نوشته شده دارد. علی‌رغم نبود منابع در چاپ های گذشته، در چاپ های فعلی هم این نقص کماکان ادامه دارد و مرتفع نشده است. میزان اعتبار منابع از جهت علمی، تنها در پاورقی بعضی صفحات ذکر شده که راه مناسبی جهت درک و شناخت آن منابع نیست. از طرفی همان طور که گفته شد فقدان منابع جدید جهت پیگیری و تبیین موضوع کتاب از جمله اشکالات اساسی کتاب است. از دیگر اشکالاتی که در این زمینه می‌بایست ذکر گردد، این است که به هیچ عنوان نمونه هایی از نوآوری، اعم از نظریه ی جدید، ارایه ی ساختار علمی نو، به کارگیری ادبیات علمی روزآمد، طرح و پیشنهاد یک افق نو و ... در این کتاب به چشم نمی‌خورد.

به هرروی، دیگر نقد اساسی در زمینه ی کتاب جامعه شناسی هنر در این است که در بیش تر فصول، انطباقی حد اقلی میان محتوای اثر با عنوان آن رویت نمی‌شود، زیرا عنوانی نظیر جامعه شناسی تاریخی بیش تر به محتوای اثر نزدیک است تا جامعه شناسی هنر.

درگیری نویسنده در زمینه ی بیان مسائل تاریخی و جوامع گذشته کاملاً محسوس است. به صراحت باید گفت که مولف به جامعه شناسان معاصر که در زمینه ی مسائل مختلف هنر نظریه پردازی کرده اند بی اعتنا است و اگر هم بعضاً به مقولات هنر پرداخته، جنبه ی تبارشناسی آن غالب است و از موارد کلیدی و قابل توجه بحث زیبایی شناسی در هنر است که در اثر عقیم مانده است. تاثیر آیین اصالت زیبایی شناسی Aestheticism که به معنای وسیع کلمه نظریه ای است در باره زیبایی، به هر دو معنای جلوه ی زیبایی، یعنی زیبایی طبیعی و زیبایی هنری. در این راستا زیبایی شناسی که خود از شاخه های فلسفه است، ارتباطی عمیقی با هنر داشته و مکمل این دو با یکدیگر می تواند باشد که ابعاد تاریک روح انسانی را هدف قرار داده و او را به سوی امر والا رهنمون کند. این نگاه در هنر های مختلف که دارای عناصر متفاوتی هستند کاملاً متغیر است و در هر جامعه ای بنابر مذهب، فرهنگ و روحیات مردم آن جامعه تعریف می شوند. پس کاملاً منطقی به نظر می رسد که در کتاب جامعه شناسی هنر نیز به ابعاد وسیع، زیبایی شناسی نهفته در آنها پرداخته می شد و مورد تحلیل بیش تری قرار می گرفت.

اگر قرار است کتابی با عنوان جامعه شناسی هنر، مورد تدریس، تفحص و پژوهش قرار گیرد از بدیهی ترین مواردی که باید در آن کتاب وجود داشته باشد این است که کلیت هنرها را مورد توجه قرار دهد. اما در این کتاب تنها به شعر و موسیقی پرداخته شده، یعنی مقولاتی چون تئاتر، نقاشی، مجسمه سازی و سینما در آن وجود ندارد. این مسئله در دوره ای است که هنر بعد از دوران مدرن، جهانیان را با پدیده ها و مدیوم هایی چون پست مدرنیسم، مینی مالیسم، هنرهای دیجیتال، پرفرمنس آرت و... مواجه شده می کند. هنرهایی که بسیاری از آنها در حوزه ی هنر مفهومی تعریف می شوند. مایکل آرچر در کتاب خود یعنی هنر بعد از ۱۹۶۰ می نویسد: «فکر، رابطه ی بین هنر مفهومی از یک طرف و ریاضی و فلسفه از طرف دیگر را به ذهن می آورد» (آرچر، ۱۳۸۷: ۱۷۳). این امر غیر از اساس پیچیدگی های ریاضی و بهره هایی است که در هنر های گوناگون از جمله معماری، حتی پاره ای از شناخت های ضروری جوامع چون دین بر پایه ریاضی و نمودهای هنری آن بازمی گردد.

با توجه به این مطالب، کاملاً مشخص است که مسئله ی جامعه شناسی در دنیای هنر چقدر پیچیده و تا چه اندازه مفصل است. هنر که از گذشته تا به امروز سرشار از

دگرسازی است و به طور حتم این دگرسازی در ابتدا امری برآمده از جامعه است. جوامعی که هنرشان هم چون آینه ای در برابر جهانیان است و نشان دهنده فرهنگ، آیین و بسیاری از باید ها و نباید های آن جوامع است. در این زمینه اگر بخواهیم از نظر تاریخی به جامعه شناسی هنرپردازیم؛ باید ذکر کنیم که از مهم ترین جنبه های تاریخی که مربوط به جامعه شناسی هنر می شود و می تواند سندی محکم در این باب محسوب شود، آئین های دیونیسوسی می باشد. گردهمایی که در یونان باستان برای خدای باروری و شراب برگزار می شد و به تدریج منجر به اولین جشنواره تئاتری گردید. این جشنواره ها از جنبه های سیاسی و فلسفی نیز حائز اهمیت می باشند.

ارج گذاری فزاینده به آئین دیونیسوس توانست باعث رخدادهای مهم و انقلابی در جامعه یونان گردد. انقلابی که از دستاوردهای آیینی، اسطوره ای و حماسی آن کشور گرفته شده بود و به عبارتی کلیه بخش های زندگی اجتماعی و هنری آن کشور را تحت پوشش قرار می داد. از آنجا که هنر مرکب تئاتر، اغلب هنرها را در دل خود داشت، منجر به آن گردید که مردم پیوندی ابتدایی اما درخشان با جامعه شناسی و هنر پیدا کنند. در این راستا متفکرانی چون تالس، پارمندس، فیثاغورث، سقراط، و... زمینه را چنان آماده کرده بودند که در آثار نویسندگان بزرگ نمایشی نظیر اشیل، سوفکلیوس و اورپید با ملاک قرار دادن رویکردهای علمی و فلسفی مسلط و مورد قبول جامعه توانستند دریچه های اولیه جامعه شناسی (شهروندی) و هنری را بنیان گذاری کنند. به طور مثال دستاوردهای فیثاغورث در ریاضیات باعث شد او به موسیقی ارج نهد و این هنر بین پیروان او بسیار مهم بود. و یا می توان از پارمندس نام برد که تاثیر زیادی بر فیلسوفان بعد از خود نظیر سقراط و افلاطون داشت. او برای اولین بار هرگونه راه شناخت اعم از اساطیر، افسانه ها و حتی تجربه را کنار نهاد و صرفا به عقل، فرد و استنتاج ذهنی توجه وافر داشت و آنها را مبنای شناخت قرار داد. هراکلیت که به دنبال تحول در هنر جمعی و جامعه بود اعتقاد داشت، که ستیز و نبرد مبدا حرکت انقطاع ناپذیری است که مایه حیات و نگاه دارنده زندگی است. قائل بودن حرکت برای جامعه نظریه هراکلیت را تا به آنجا کشاند که معتقد شد؛ ما نمی توانیم دوبار در یک رودخانه شنا کنیم زیرا آب یک رودخانه هر دم تازه می شود. این امر به خوبی بر بحث صیروت، و هستی و نیستی جوامع و هنر اشاره می کند. در محدوده پنجاه قبل از میلاد، دوره تفکر رومی بیش تر ناظر به جنبه های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و به طور

کلی تفکر علمی بود و بدین ترتیب بحث های مابعد الطبیعه اولویت خود را به مباحث اخلاقی و اجتماعی داد. در این دوره طبعاً مکاتبی مانند اپیکوریان و رواقیون و کلیبان مجال توسعه و بسط یافتند. نکته دیگر آن که تفکر بعد از ارسطو را آغاز قرون وسطی به نام دوره یونانی مابی و هلنسیک نام گذاری می کنند. دوره ای که هرچند در ریشه های وام دار یونان بود اما از جهاتی با آن تفاوت داشت و به این علت شبه یونانی گویند. این امر در سالیان بعد در اروپا رونق و خوانش دقیق تر پیدا کرد در کتاب تاریخ فلسفه غرب و زیبایی شناسی آمده است: «سرچشمه های تفکر مدرن در اواخر قرون وسطی بازمی گردد به فرانسیس بیکن مهم ترین فیلسوف انگلیسی این دوره و عصر رنسانس. او در پی مرجع گریزی و آثار قدما بود که در این بین بیش تر به کلیسا و ارسطو بدبین بود. بیکن معتقد است که ارگانون (ارغنون) ارسطو صرفاً در حیطه مفاهیم منطقی غوطه می خورند و رابطه ای با واقعیت ندارند. او در مقابل کتاب (ارغنون نو) را نوشت که بر مشاهده، آزمایش و استقراء تاکید داشت. یعنی سیری از جزئی به جزئی و طبعاً هم جزء با حس و تجربه به چنگ می آید» (فیروز آبادی: ۱۰۲، ۱۳۸۴). با این ارجاع باید بیان کرد که کتاب جامعه شناسی هنر برای درک بیش تر مخاطب، چندان رویکرد تاریخی مورد اهتمام قرار نداده و این مبحث (جامعه شناسی هنر) از نظر تاریخی مورد اهتمام قرار نداده است.

کتاب جامعه شناسی هنر، تنها دارای یک بحث مقدماتی است و فاقد نتیجه و جمع بندی نهایی، تمرین جدول، تصویر، نمودار، و نقشه برای تفهیم بهتر عنوان کتاب است. البته ناگفته نماند که متن کتاب رسا و قابل فهم بوده و استفاده ای عمومی نیز دارد. به خصوص آن که اثر در فصل های پایانی خود به انواع شعر فارسی و ادبیات حماسی و موسیقی سنتی نهفته در آن می پردازد که برای عموم مردم قابل فهم و درک است.

باید یادآوری کرد که علم جامعه شناسی، طبعاً آمیخته و زایده نگاه های نویی است بر پایه نیازها و تعامل جوامع (شبکه درونی و دیگر جوامع) که در عرصه های جهانی، و با لحاظ نمودن معیارهای داخلی هرکشور، در طی شرایط مختلف زندگی بروز و خودنمایی می کنند. همین طور اگر بپذیریم، واژه جامعه از آن واژگان ویژه ای است که کارکردی دوگانه دارد، زیرا در عین فرد بودن (جامعه) ماهیت خود را از جمع به دست می آورد. به نوعی متوجه می شویم هنر رابطه ی تناثنگی با دین و اعتقادات مردم و آحاد جمعی جامعه دارد. در این راستا بی ربط نیست اگر بیانات آیت الله خامنه ای را

در زمینه‌ی هنر و مثال ایشان در باره‌ی یکی از هنر‌ها به پیوست این مطلب قرار دهیم: «هر پیامبری متناسب با علم و پیشرفت دوره خودش مبعوث شده است؛ مثلاً در زمان حضرت موسی علیه السلام که شعبده بازی رواج داشت، آن حضرت با معجزاتی مانند تبدیل شدن عصا به اژدها و... به تقابل با مخالفین پرداخت. هم چنین در زمان حضرت رسول که علم و بلاغت و فصاحت و شعر و... رواج داشت، آن حضرت با معجزه قرآن که مملو از علوم حقیقی و برخوردار از بلاغت و فصاحت کامل بود، به مقابله با مخالفین پرداخت. از همین روست که آیت الله جوادی می فرمودند که بر فرض اگر در این عصر و زمانه بنا به مشیت الهی پیغمبری به رسالت مبعوث می شد، گزافه نیست که با هنر فیلمسازی و دانش سینما مبعوث می شود؛ چرا که در این زمانه، یکی از بهترین وسایل تبلیغ دین همین هنر فیلمسازی و دانش سینماست. ولی سینمای اسلامی شاخصه‌هایی لازم دارد تا بتواند حقیقت دین اسلام را نمایش دهد و سینمای فعلی فاصله بسیار زیادی با سینمای اسلامی دارد.» (۱...خامنه‌ای ۱۳۹۱: ۳۸).

نکته دیگر این که، هنر در شرایط مختلف از جمله در تعریف ضرورت پرداختن به آن، کارکردهای فردی و جمعی در جوامع مختلف با اصل رعایت قوانین و ضوابط هر جامعه معلوم و تبیین می شود. در عین آنکه معمولاً اجتماعی در جهان برای این فعالیت وجود دارد. همین طور قوانین حاکم بر فعالیت های هنری، که گاه تا حد نقیض هم ممکن است پیش روند، قوانین و دیدگاهی که در اصل زیبایی شناسی و موارد حاکم بر آن به وفور خود نمایی می کنند.

اسپرگ در مقاله‌ی خاستگاه اجتماعی شعر می گوید: «آگاهی و دانشی که تکامل جامعه را امکان پذیر می سازد، ذاتاً جابجانه نیست، برعکس این آگاهی و دانش - که علم و هنر بیان گر آن است - وسیله‌ی رساندن انسان به آزادی است، آگاهی اجتماعی که فرآمده و یاری بخش کار اجتماعی است، همانند کار اجتماعی، وسیله‌ی آزادی بشریت است. غرایزی همساز نشده، نه تنها ذاتاً آزاد نیستند، بل غرایز سازگار نیافته اند، که انسان را تسلیم بردگی ضرورت کور و جبر ناآگاهانه می کنند» (اسپرگ ۱۳۵۵: ۹۳).

با توجه به این رویکرد اسپرگ، زی باربو نیز در کتاب جامعه شناسی هنر و ادبیات خویش اعلام می دارد: «پژوهنده‌ی جامعه، خواه یک مورخ یا جامعه شناس، اگر به وسوسه استفاده از مدارک فرآمده از ادبیات یا آثار هنری به طور اعم گرفتار آید، به طور ضمنی گمان می برد، بین دو نوع پدیده، که به دورشته فعالیت بشری یعنی فعالیت

های واقعی و خیالی تعلق دارند، نوعی هم‌نوعی وجود دارد. بدیهی است که این شخص به جلوه‌های ادبی و هنری تا جایی توجه میکند که دانش وی را، درباره رویدادهای اجتماعی غنا بخشد یا روشن سازد» (باربو ۱۳۵۵: ۱۶۴).

۵. نتیجه‌گیری

در این مرحله از مقاله باید به عنوان نتیجه‌گیری اعلام شود که کتاب جامعه‌شناسی هنر اثر دکتر امیر حسین آریان پور، ضمن احترام به تلاش و ارزش آن خصوصاً در بزنگاه پدید آورد، و ضرورت تدوین آن در زمان حادث شدن، می‌توانست و باید با تغییر شرایط، به روز رسانی و تکمیل تر می‌شد. ضمن آن که یافته‌های پژوهشی آن زمان (پدید آورد کتاب) امکان ثبت و انعکاس کمتری به مولف داده‌اند. بطوری که می‌توان گفت، جامعه‌شناسی، هنر، تکالیف و کارکردهای هنر و ... ابعاد گوناگونی دارند که باید در این گونه کتب، بیش تر مورد کنکاش قرار گیرند. لذا کتاب حاضر اثری چند بعدی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و هنر نیست و با کمال احترام نسبت به مولف، باید ذکر شود که کتاب علاوه بر موارد یاد شده به لحاظ ساختاری نیز دارای کاستی‌هایی است که باید به آن پرداخت و برای استفاده بیش تر علاقمندان و دانشجویان رفع نقص نمود، زیرا کتاب دارای مشکلاتی چون: ۱- نداشتن فهرست منابع در پایان کتاب که هم‌ایرادی پژوهشی محسوب می‌شود و هم علمی ۲- به روز نبودن اثر، زیرا این کتاب نمی‌تواند حتی نیمی از خواسته‌های یک دانشجو و یا یک پژوهشگر در این عرصه را پوشش دهد (براساس زمان پدید آورد و عدم تجدید نظر در آن) ۳- فقدان نظریات جامعه‌شناسانی که در عرصه جامعه‌شناسی و هنر فعالیت کرده‌اند، و همچنین هنرمندانی که معاصر هستند و اتفاقات مهمی را در در سطوح کشور خود و جهان بوجود آورده‌اند. ۴- بحث نکردن در زمینه کلیت هنرها و تنها تلاش بر ارائه‌ی نوعی تبارشناسی تاریخی ۵- نبود قالب‌ها و نمودارهایی که به واسطه‌ی آنها بتوانیم نقشه‌ی راه یا جهت‌یابی دقیقی، برای تعریف نگاه جامعه و تغییرات متناسب با نیازها در ظاهر و درون هنرها. ۶- از مهمترین مواردی که امروزه به شدت در حوزه‌ی دانشگاهی مهم است، به روز بودن مطالب و رفرنس‌دهی آنها به خصوص در حد معرفی کتب منابع، و سایت‌های گوناگون اینترنتی جهت مطالعه‌ی هرچه بیش تر و بهتر است که هیچ‌گاه نباید از چشم یک نویسنده یا پژوهشگر دور نگه داشته شود.

از جمله پیشنهاد های کاربردی در زمینه ی این کتاب علاوه بر رعایت کردن نکات و اشکالات ذکر شده، تغییر سر فصل ها و ترتیب دادن فهرست های به روز جهانی، نسبت به موضوع جامعه شناسی هنر، و از طرفی بررسی جایگاه و اهمیت درس، جامعه شناسی هنر، در بین دروس، و اختصاص زمان و نحوه پرداختن به آن در برنامه های آموزشی، وزارت علوم و فناوری است.

۲- بررسی و تجدید نظر درپاره ای از فصول و بخش های کتاب و رسیدن به نوعی چینش جدید در فصول آن.

۳- افزودن و یا کاستن مواردی که بر اساس الگوی طراحی آموزشی و نیاز علاقمندان و دانشجویان وجود دارد. نظیر دامنه گسترده جامعه شناسی هنر، جامعه شناسی و تحول سبک های هنری در جوامع، تاریخ هنر، ضرورت اندیشوارگی در تاریخ هنر، رابطه جوامع تبیین الگوهای پدید آورد آثار هنری. جوامع و دادن فرصت خلاقیت هنری به هنرمند.

دیدگاه کسانی چون بورکهارت به عنوان یک هنر شناس علاقمند به جامعه شناسی و یا مارک بلوش به عنوان یک مورخ، آنجایی که به هم گره می خورند که نخست برای روشن کردن بیش تر رخداد های خاص تاریخی، دوم برای جلوه بخشیدن به رشته ای از خصائص ثانوی و نهفته یک دوره یا یک جامعه که در غیر این صورت می توانستند، درنیافتنی و نامدرکی باقی بمانند. در نتیجه کار آنها نوعی همنوایی، چند آوایی ولی دقیقاً یکنواخت است که بین رخداد هایی هنری و اجتماعی یک دوره وجود دارد و دیگران را هم آگاه می سازند.

منابع

- آرچر، مایکل. (۱۳۸۸) هنر بعد از ۱۹۶۰، ترجمه کتابون یوسفی، چاپ دوم، تهران، نشر حرفه هنرمند، آریان پور، امیر حسین. (۱۳۹۱). جامعه شناسی هنر، چاپ ششم، تهران، نشر گستره، ارسطوفین شعر، (۱۳۷۸)، ترجمه عبدالحسین زرین کوب، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیر کبیر، اسپرگ، س. (۱۳۵۵)، خاستگاه اجتماعی شعر و ادبیات، ترجمه فیروز شیروانلو، چاپ اول، تهران، انتشارات طوس، باربو. (۱۳۵۵)، محدوده گستره ی جامعه شناسی و ادبیات، ترجمه ی فیروز شیروانلو، چاپ اول، تهران، انتشارات طوس،

احمد جولای و ابوالفضل حداد ۷۹

بورگر، پیتر. (۱۳۸۶)، نظریه‌ی هنر آوانگارد، ترجمه‌ی مجید اخگر، چاپ اول، تهران نشر مینوی خرد،
ریما مکاریک، ایرنا. (۱۳۸۵)، دانشنامه‌ی نظریه‌ی های ادبی معاصر، ترجمه‌ی مهران مهاجر، محمد
نبوی، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگه.

سوانه، پیر. (۱۳۸۹). مبانی زیبایی‌شناسی، ترجمه محمد رضا ابوالقاسمی، چاپ اول، تهران، نشر ماهی،
فیروزآبادی، آزیتا. (۱۳۹۳). تاریخ فلسفه غرب و زیبایی‌شناسی، چاپ دوم، تهران، نشر وارث.

www.asemoni.com/culture.../speeches of _alikhmene9_





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی